



تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول

(عصر وزارت عدلیه علی اکبر داور)

دکتر حسن زندیه



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تابستان ۱۳۹۲

زندیه، حسن، ۱۳۴۵ -
تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور) // حسن زندیه. - قم:
پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۲.
ده، ۵۲۶ص: جدول، نمودار، نمونه. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۲۴۰: تاریخ؛ ۴۷)
ISBN: 978-600-5486-83-4
بها: ۱۳۵۰۰۰ ریال
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. [۴۴۹]-۴۷۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.
نمایه.
۱. دادگستری - ایران - تاریخ. ۲. قوه قضاییه - ایران - تاریخ. ۳. ایران - تاریخ - پهلوی، ۱۳۰۴-۱۳۲۰.
الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۱۳۹۲ ۳ت ۹ / ۲۶۱۳ KMH ۵۵ / ۳۴۷
شماره کتابشناسی ملی
۳۱۱۷۳۱۹



تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور)

مؤلف: دکتر حسن زندیه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسکری

صفحه‌آرایی: کاما

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۲

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۳۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۲۱۱۱۱ - ۲۵۱ (انتشارات: ۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۲۸۰۳۰۹۰،
ص.پ. ۳۱۵۱ - ۲۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۶۶۴۰۲۶۰۰ - ۰۲۱ و ۶۶۹۷۸۹۲۰

Website: www.rihu.ac.ir

Email: info@rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان منبع درسی و کمک‌درسی برای دانشجویان تاریخ و حقوق در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا و نیز دیگران علاقه‌مندان به تاریخ تحول نظام حقوقی و قضایی ایران تهیه شده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر جناب آقای دکتر حسن زندیه و نیز ناظران گرامی حجت‌الاسلام والمسلمین استاد محمدهادی یوسفی غروی و آقای دکتر عبدالرضا علیزاده سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
فصل اول: نخستین چالش‌های نظام کهن قضایی تجربه‌های عصر مدرن (عصر پیشامشروطگی)	۱۷
بخش اول: ویژگی‌های اساسی نظام قضایی عصر قاجار (دوره پیشامشروطگی)	۱۷
الف) دوگانگی عرف و شرع	۱۸
ب) نبودن قوانین رسمی، مدون و نبودن ضمانت اجرایی	۲۳
ج) پراکندگی مراکز اجرایی	۲۶
د) حاکمیت بلامنازع گفتمان سنت‌گرا	۳۱
ه) حاکمیت کاپیتولاسیون بر نظام قضایی عصر قاجار	۳۸
بخش دوم: نخستین رویارویی‌ها با جهان جدید	۴۵
الف) آشنایی با عصر جدید و گشایش افق‌های تازه در نظام قضایی عصر قاجار	۴۵
۱. نخستین آشنایی‌ها با نظام قضایی جوامع مدرن	۴۹
۲. شکل‌گیری اندیشه اصلاح نظام قضایی به سبک مدرن	۵۴
۳. بازتاب نگرش‌های اصلاحی بر نظام قضایی	۶۴
ب) نخستین تکاپوها در ایجاد تغییرات در نظام قضایی	۶۷
۱. اولین گام‌های عملی در اصلاحات نظام قضایی (از عباس میرزا تا امیرکبیر)	۶۸
۲. میرزا حسین‌خان مشیرالدوله و کوشش برای تحول بنیادی در نظام قضایی	۷۱
۳. ناصرالدین‌شاه، انجام اصلاحات یا حفظ اقتدار	۷۴
بخش سوم: پیش‌درآمد تحولات نوین نظام قضایی در عصر مشروطه	۷۸
الف) ضرورت تحول در نظام کهن قضایی	۷۸
ب) پویش‌های آرمان عدالتخواهی	۷۹
ج) بنیاد عدالتخانه	۸۲
د) گذار از عدالتخانه به مشورتخانه	۸۴

۸۸	بخش چهارم: عصر قانونگذاری و صورت‌بندی نوین نظام قضایی
۸۸	الف) نظام قضایی، حلقه مفقوده قانون اساسی
۸۹	ب) متمم قانون اساسی، رویکردهای بنیادین به نظام قضایی
۹۲	ج) اصلاحات به سبک مدرن و چالش‌های فراروی عرف و شرع
۹۸	بخش پنجم: کاربست‌های قانونی عدلیه نوین
۹۸	الف) قانون اصول تشکیلات عدلیه
۱۰۲	ب) قانون محاضر شرعیه و حکام صلحیه
۱۰۳	ج) قانون اصول محاکمات حقوقی
۱۰۹	بخش ششم: عدلیه جدید، موانع و راهکارهای اجرایی
۱۰۹	الف) تداوم ناکارآمدی وزارت عدلیه و ضعف نسبی دستگاه قضایی
۱۱۳	ب) تأثیر بحران‌های دولت بر روند اصلاح نظام قضایی
۱۱۷	ج) پایه‌گذاری تشکیلات اولیه نظام قضایی حکومت مشروطه
۱۲۳	فصل دوم: رویکردهای نظری نسبت به دولت اقتدارگرای پهلوی
۱۲۳	بخش اول: روند شکل‌گیری دولت اقتدارگرای متمرکز
۱۲۴	الف) بحران‌های اجتماعی بستر تکوین گفتمان دولت اقتدارگرا
۱۲۵	ب) اندیشه‌گران و لزوم تشکیل دولت مقتدر متمرکز
۱۴۰	ج) احزاب و ضرورت تحول ساختار سیاسی و قضایی
۱۴۵	د) دولت‌های مشروطه و رویکردهای اصلاح‌گرا به نظام قضایی
۱۵۰	بخش دوم: ساخت و کارکرد دولت اقتدارگرای پهلوی
۱۵۲	الف) الگوی دولت اقتدارگرا
۱۵۴	ب) مشخصه‌های دولت اقتدارگرا
۱۵۵	ج) مدل توزیع قدرت در دولت مقتدر متمرکز پهلوی
۱۵۹	بخش سوم: کارکرد دولت اقتدارگرا
۱۵۹	الف) تشکیل ارتش مقتدر، منظم و مدرن
۱۶۱	ب) سرکوبی نیروهای مرکز‌گریز
۱۶۴	ج) حاکمیت قانون و دیوانسالاری متمرکز
۱۶۷	فصل سوم: علی‌اکبر خان داور معمار اصلاحات قضایی
۱۶۷	بخش اول: تحصیلات و کسب نخستین تجربه‌های اداری و قضایی
۱۶۷	الف) تحصیلات مقدماتی و متوسطه
۱۶۸	ب) مشاغل قضایی
۱۷۰	ج) تحصیلات عالی قضایی
۱۷۱	بخش دوم: تلاش‌ها و تکاپوهای سیاسی

۱۷۲	الف) مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹م
۱۷۶	ب) نمایندگی مجلس چهارم
۱۷۹	ج) فعالیت‌های مطبوعاتی
۱۸۲	د) تشکیل حزب رادیکال
۱۸۳	ه) نمایندگی مجلس پنجم
۱۸۸	و) داور، مجلس مؤسسان و انتقال سلطنت به پهلوی
۱۹۰	ز) داور وزیر فواید عامه، عدلیه و دارایی
۱۹۱	بخش سوم: فرجام داور

۲۰۳	فصل چهارم: رهیافت اساسی دولت به نوسازی نظام قضایی
۲۰۳	بخش اول: انگیزه‌های اساسی نوسازی نظام قضایی
۲۰۵	الف) ضرورت الغای کاپیتولاسیون
۲۰۶	ب) زمینه‌های تاریخی الغای کاپیتولاسیون
۲۰۹	ج) الغای کاپیتولاسیون
۲۱۱	د) فرمان رضاشاه و لغو کاپیتولاسیون
۲۱۲	ه) الغای کاپیتولاسیون پروگرام دولت
۲۱۳	و) همسویی دولت و مجلس در الغای کاپیتولاسیون
۲۱۶	بخش دوم: بازتاب‌ها و پیامدهای الغای کاپیتولاسیون
۲۱۶	الف) الغای کاپیتولاسیون، جشن بزرگ ملی
۲۱۹	ب) بازتاب الغای کاپیتولاسیون در مطبوعات داخلی
۲۲۴	ج) انحلال عدلیه و الغای کاپیتولاسیون و بازتاب آن در مطبوعات خارجی
۲۲۹	د) الغای حق قضاوت کنسولی، انحلال کارگذاری‌ها و واکنش دولت‌های اروپایی
۲۳۸	ه) تهیه و تدوین قوانین درباره اتباع بیگانه

۲۴۳	فصل پنجم: نخستین تکاپوها در ایجاد نظام قضایی جدید
۲۴۳	بخش اول: انحلال عدلیه، علل و ضرورت‌ها
۲۴۴	الف) ایده انقلاب اداری و نوسازی نظام قضایی
۲۴۶	ب) داور و ضرورت دگرگونی و نوسازی عدلیه
۲۴۷	بخش دوم: سیر اعطای اختیارات به وزیر عدلیه در مجلس شورای ملی
۲۴۷	الف) موضع مجلس در قبال انحلال عدلیه
۲۴۷	۱. دیدگاه مخالفان
۲۵۴	۲. دیدگاه موافقان
۲۵۶	ب) استدلال داور برای انحلال عدلیه
۲۶۱	ج) وجهت قانونی انحلال عدلیه

۲۶۴	(د) ماده واحدهٔ اختیارات وزیر عدلیه
۲۶۵	(ه) تمدید اختیارات وزیر عدلیه
۲۶۷	بخش سوم: بازتاب انحلال عدلیه در مطبوعات داخلی
۲۶۸	(الف) روزنامهٔ اطلاعات
۲۷۱	(ب) روزنامهٔ ایران
۲۷۳	(ج) روزنامهٔ شفق سرخ
۲۷۴	(د) روزنامهٔ جبل المتین
۲۷۵	(ه) روزنامهٔ ستارهٔ ایران
۲۷۶	(و) روزنامهٔ اقدام
۲۷۷	(ز) روزنامهٔ طوفان
۲۷۹	بخش چهارم: افتتاح عدلیه جدید
۲۸۰	(الف) نطق رضاشاه
۲۸۱	(ب) تحلیف قضات و کارمندان جدید عدلیه
۲۸۲	(ج) تأثیر الغاء کابیتولاسیون بر نظام قضایی
۲۸۷	فصل ششم: تحول در نیروی انسانی
۲۸۷	بخش اول: نیروی انسانی
۲۸۷	(الف) لزوم تحول در ترکیب نیروی انسانی
۲۸۸	(ب) موانع و مشکلات اصلاح نیروی انسانی
۲۹۱	(ج) ترکیب جدید نیروی انسانی
۲۹۵	(د) تأمین نیروی انسانی متخصص
۳۰۰	(ه) قانون استخدام قضات
۳۰۵	(و) قانون متمم استخدام قضات
۳۰۹	بخش دوم: پرورش نیروی انسانی
۳۰۹	(الف) تربیت نیروی انسانی جدید
۳۱۳	(ب) نظارت و ارزیابی عملکرد قضات
۳۱۴	(ج) استقلال قضایی قضات
۳۲۳	فصل هفتم: صورت‌بندی حقوقی و امور قضایی دستگاه عدلیه
۳۲۳	بخش اول: قوانین شکلی
۳۲۶	(الف) قانون اصول محاکمات حقوقی
۳۳۲	(ب) مفاد قانون اصول محاکمات حقوقی
۳۳۶	(ج) نقد قانون اصول محاکمات حقوقی
۳۴۵	(د) اصول محاکمات کیفری

۳۵۱	ه) قانون دیوان جزای عمّال دولت
۳۵۳	و) قانون محاکمات نظامی
۳۵۷	بخش دوم: قوانین ماهوی
۳۵۷	الف) حقوق مدنی
۳۶۳	ب) مفاد قانون مدنی
۳۷۳	ج) قانون مجازات نیروهای مسلح
۳۷۹	د) قانون ثبت املاک، اسناد و سجل احوال
۳۸۶	ه) قانون مجازات عمومی
۳۹۵	بخش سوم: نقش علمای شیعی در تدوین قانون مدنی ایران
۳۹۵	مقدمه
۳۹۶	الغاء کاپیتولاسیون مقدمه تدوین قانون مدنی
۳۹۸	ضرورت و کیفیت تصویب قانون مدنی
۴۰۰	تدوین قانون مدنی
۴۰۳	مآخذ قانون مدنی
۴۰۴	قانون مدنی، انحصار قوه قضاییه در دست دولت
۴۰۵	مواد قانون مدنی
۴۰۷	حضور علما در کمیسیون‌های تدوین قانون مدنی
۴۱۱	نقش مؤثر فاطمی قمی در تدوین قانون مدنی
۴۱۵	۲-۱. سیدمحسن صدر (صدرالاشراف)
۴۱۹	۳-۱. حاج سیدنصرالله تقوی
۴۲۰	۴-۱. شیخ علی‌بابا فیروز کوهی
۴۲۱	۵-۱. شیخ محمد عبده (بروجردی)
۴۲۴	۶-۱. حاج شیخ اسدالله ممقانی
۴۲۷	فصل هشتم: تحول اداری و سازمانی
۴۲۷	بخش اول: تشکیلات اداری
۴۲۸	الف) اداره ثبت اسناد و املاک
۴۳۰	ب) هیئت تفتیشیه مملکتی
۴۳۱	ج) قانون وکلا
۴۳۲	بخش دوم: تشکیلات قضایی
۴۳۵	الف) محاکم عمومی
۴۳۵	۱. محاکم صلح
۴۳۶	۲. محاکم ابتدایی
۴۳۷	۳. محاکم استیناف

۴۳۷	۴. دیوان عالی تمیز
۴۳۸	ب) محاکم اختصاصی
۴۳۸	۱. محاکم شرع
۴۳۹	۲. حکام صلح
۴۴۰	۳. محاکم تجارت
۴۴۰	۴. محکمه انتظامی
۴۴۱	ج) اداره مدعیان عمومی
۴۴۳	د) دفاتر و اجرای محاکم
۴۴۵	فرجام سخن
۴۴۹	منابع و مأخذ
۴۴۹	منابع
۴۴۹	الف) اسناد
۴۵۰	ب) کتاب‌ها
۴۵۷	ج) روزنامه‌ها
۴۵۸	تحقیقات
۴۵۸	الف) تحقیقات فارسی
۴۶۹	ب) مقالات
۴۷۲	ج) منابع لاتین
۴۷۵	تصاویر
۴۹۳	نمایه‌ها

مقدمه

نظام قضایی ایران از دیرباز بر دوگانگی عرف و شرع مبتنی بوده است. این ساختار دوگانه به موازات یکدیگر تداوم یافته، همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته و گاه یکی بر دیگری غلبه می‌کرده است. این وضعیت تا پیش از انقلاب مشروطه کمابیش تداوم یافته بود و نظام قضایی و دستگاه عدلیه نیز مانند دیگر بخش‌های اداری و اجرایی دولت به شکل سنتی به حیات خود ادامه می‌داد. در قرن نوزدهم میلادی و همزمان با عصر قاجار بر اثر ظهور و بروز تحولات جدید در عرصه بین‌المللی و آشنایی ایرانیان با دنیای غرب، آنان به ناکارآمدی ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اداری ایران و لزوم بازنگری و بازسازی آن به صورت بنیادی پی بردند. نظام قضایی و تشکیلات عدلیه نیز از این قاعده مستثنا نبود، بلکه در درجه نخست ناکارآمدی و ضرورت دگرگونی قرار داشت. شعارها و آرمان‌های عدالتخواهی، قانون‌خواهی و تشکیل عدالتخانه در صدر مشروطیت، همه مؤید این مدعایند. انقلاب، سازوکار و فضای دیگری را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در بخش اجرایی، هرچند به صورت نظری ایجاد کرد که ساختار قضایی را هم شامل می‌شد. متمم قانون اساسی اصل تفکیک قوا و شکل‌گیری دستگاه جدید قضایی را مورد توجه قرار داد و در این زمینه اقدامات و اصلاحاتی هم صورت گرفت.

با روی کار آمدن رضاخان، مدرنیزاسیون در همه ابعاد و شؤون مملکت در دستور کار وی قرار گرفت. علی‌اکبر داور بنیانگذار دادگستری نوین ایران در عرصه اصلاحات قضایی پیشتاز شد و در مدت شش سال و هشت ماه دوره وزارتش در وزارتخانه عدلیه (۱۳۰۵-۱۳۱۲ش) تغییر و تحولات جدیدی در ساختار عدلیه ایجاد کرد. بررسی این تحولات و چگونگی آن، موضوع این کتاب است. البته در دوره قاجار و به‌ویژه پس از انقلاب مشروطه، اصلاحاتی در نظام قضایی، اعم از ساختار اداری و اجرایی و ماهیت و مبانی مجموعه قوانین، صورت گرفته بود؛ ولی کافی

به نظر نمی‌رسید و به گونه‌ای نبود که عدلیه‌ای منظم و بسامان پدید آمده باشد و مردم در سایه امنیت قضایی آن آسوده باشند. به دیگر سخن، به‌رغم تمهیدها و قیدهای قانون اساسی مشروطیت و متمم آن در باب قوه قضاییه و اصلاحاتی که پس از مشروطیت در این حوزه انجام گرفت، با این وصف تا تشکیل یک عدلیه کارآمد و مدرن منطبق با معیارها و موازینی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده و مقتضی اوضاع و احوال جامعه جدید ایران و مورد توقع و تصور مردم و آرمان‌های عدالتخواهانه آنان بود، فاصله داشت و همراه و همسو با دیگر بخش‌های اداری و اجرایی، دگرگونی اساسی می‌طلبید تا در دوره وزارت علی‌اکبر داور، تحولی بنیادین در این زمینه صورت گرفت که همه ابعاد دستگاه قضایی را تحت الشعاع قرار داد. وی طرح جدیدی درافکند که ماهیتاً متفاوت با تغییر و تحولات گذشته بود و اگر از همین منظر به موضوع نگریسته شود، ضرورت انجام این تحقیق آشکار می‌گردد؛ به‌ویژه اینکه پژوهشی جدی که مبتنی بر اسناد و مدارک این دوره باشد، صورت نگرفته است.

عوامل متعددی نه تنها مانع تحقق اهداف نهضت مشروطیت گردیدند، بلکه همراه با مداخله خارجی باعث شدند که ایران در سال‌های پس از جنگ اول جهانی در آستانه اضمحلال قرار گیرد. در چنین اوضاع و احوالی روشنفکران و نخبگان جامعه، متوجه راهکارهای دیگری بودند که کشور را از این بحران برهانند؛ از این‌رو، اندیشه ایجاد حاکمیت مقتدر و متمرکز، کم‌کم به عنوان گفتمان غالب در فضای سیاسی جامعه ایران پدیدار شد که پس از کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش، این نگرش عملی گشت و از دل این کودتا در نهایت دولت پهلوی اول شکل گرفت. دولت رضاشاه، نخستین دولت مطلقه مدرن در ایران بود و با آنکه برخی ویژگی‌های آن ریشه در گذشته داشت، ولی نظام سیاسی جدیدی به شمار می‌رفت. حکومت رضاشاه با متمرکز ساختن منابع و ابزارهای قدرت، ایجاد وحدت ملی، تأسیس ارتش مدرن، تضعیف مراکز قدرت پراکنده، ایجاد دستگاه بوروکراسی جدید و اصلاحات مالی و تمرکز منابع اداری، مبانی دولت مطلقه مدرن را به وجود آورد. دولت مطلقه مدرن، شکلی از دولت بوده که ویژگی‌های ذیل را داشت:

۱. یکسان‌سازی مرزهای سرزمینی با نظام واحدی از قوانین و مقررات؛
۲. ایجاد تمرکز در سازوکارهای قانونگذاری، اجرا و طرد و حذف نهادهای قدیمی؛
۳. متمرکز نمودن قدرت اداری و دستگاه بوروکراتیک؛
۴. تغییر و بسط مدیریت مالی؛

۵. رسمیت دادن به روابط بین خود با کشورهای دیگر از طریق توسعه دیپلماسی و نهادهای دیپلماتیک؛
۶. ایجاد یک نیروی نظامی دائمی؛
۷. ناسیونالیزم باستان‌گرا یا (ملی‌گرایی)؛
۸. رشد شهرها و گسترش ارتباطات شهری.

با توجه به مطالب یادشده، می‌توان به الگوی دولت پهلوی برای ایجاد تغییر و تحول در اوضاع اقتصادی اجتماعی و نیز ساختار دولت پی برد. دولت پهلوی برای تشکیل دولت مطلقه مدرن (۱۳۰۲-۱۳۲۰ش) به ایجاد دگرگونی و نوسازی در ساختار دولت، دست زد که طبعاً ساختار حقوقی و قضایی ایران را هم شامل می‌شد. البته تحول نظام قضایی نیز همراه و همسو با کل برنامه بازسازی و اصلاحی دولت پهلوی قابل مطالعه و بررسی است. به سخن دیگر، اقدامات و اصلاحاتی که دولت در حوزه نظام قضایی انجام داده است، یک مورد خاص جدا از دیگر برنامه‌های نوسازی دولت نبود. از این رو، فهم آن در گرو شناخت کل برنامه اصلاحی دولت و به تبع آن، نقش دولت در فرایند شکل‌گیری دولت مدرن و رابطه آن با دیگر اجزای دولت است. واقعیت این است که مطالعه نظام‌های حقوقی، قضایی و سیر تحول و تطور آن، به‌ویژه در حوزه‌های قانونگذاری از سوی پژوهشگران تاریخ و حقوق، با غفلت و کم‌توجهی مواجه شده است. از آنجا که عالمان، استادان و دانشجویان رشته حقوق عمدتاً به خود حقوق و مباحث ماهوی و جنبه‌های کاربردی آن، در عرصه زندگی اجتماعی می‌پردازند و کمتر علاقه و توجه برای پرداختن به مباحث تاریخی و سیر تشکیل و تکوین نظام‌های حقوقی، و نیز دستگاه‌های قضایی از خود نشان می‌دهند و شاید هم به لحاظ گستردگی و تنوع رشته‌ها و حوزه‌های مباحث حقوقی و پیچیدگی‌های ذاتی رشته حقوق، مجال برای ورود به عرصه‌های تاریخی نداشته باشند. این احتمال هم وجود دارد که ورود به حوزه تحقیق و تتبع تاریخی را خارج از وظیفه خود تلقی نمایند؛ هرچند آن را مفید بدانند.

پژوهندگان تاریخ نیز عمدتاً علاقه‌مند هستند که در حوزه‌های تحقیق سنتی خود، که همانا تاریخ سیاسی، نظامی و احیاناً اجتماعی و کمتر اقتصادی است، غور نمایند و ورود به عرصه‌های جدید را به دیده شک و تردید می‌نگرند و مطالعه نظام‌های حقوقی قضایی از جمله مواردی است که کمتر با عنایت محققان تاریخی مواجه شده و تحقیقات معدودی هم که صورت گرفته، بیشتر از ناحیه اصحاب حقوق بوده است. حال آنکه به لحاظ علمی، تاریخ حقوق از

زیررشته‌های علم تاریخ است و انجام پژوهش در این عرصه مبتنی بر روش‌شناسی تحقیق تاریخی و البته نیز مستلزم تحصیلات کافی حقوقی است.

ورود نکردن جدی محققان رشته تاریخ بدین عرصه، از دو منظر قابل توجه و تأمل است؛ یکی اینکه تحقیق در این زمینه را خارج از حوزه صلاحیت و وظیفه خود می‌دانند؛ دیگر اینکه آشنایی ناکافی با مبانی، ماهیت و مباحث حقوقی آنان را از ورود به این عرصه بازداشته است که البته این موضوع مهمی است و می‌تواند موانع اساسی در پیشبرد پروژه‌های تحقیقاتی ایجاد کند. همه این موارد درباره نظام قضایی دوره پهلوی که موضوع کتاب حاضر است، صدق می‌کند. تاکنون پژوهش جدی و مستقلی درباره این موضوع به‌ویژه با محوریت علی‌اکبر داور، بنیانگذار عدلیه نوین و نقشی که وی در تحول نظام قضایی و نیز تکوین دولت مطلقه مدرن پهلوی داشته، صورت نگرفته است.

تقریباً همه تحقیقاتی که درباره دوران پهلوی صورت گرفته‌اند، بخشی را به بازسازی و نوسازی دستگاه‌های اداری و اجرایی کشور اختصاص داده‌اند و در این بین، یکی دو پاراگراف نیز به تحول عدلیه و تهیه و تدوین قوانین اختصاص یافته و تبعات ناشی از آن، که عمده‌تأ حول محور تصفیۀ روحانیون از دستگاه قضایی است، به اختصار ذکر گردیده‌اند.

البته این میزان به‌هیچ‌وجه نمایانگر عمق و حجم زیاد تحولات انجام یافته در این دوره نبوده و انجام تحقیقات جدی‌تر و جدیدتر کاملاً ضروری است.

افزون بر تحقیقات عمومی در خصوص دوره پهلوی که نیم‌نگاهی به تحولات حقوقی و قضایی این دوره داشته‌اند، پژوهش‌های دیگری نیز صرفاً در حوزه تاریخ حقوق و دستگاه‌های قضایی و سیر تحول و تطور آن انجام گرفته‌اند، ولی این آثار نیز جنبه کلی و عمومی داشته و صرفاً دوره پهلوی را بررسی نکرده‌اند.

کتاب سرگذشت قانون؛ مباحثی از تاریخ حقوق؛ دورنمایی از روزگاران پیشین تا امروز، اثر علی‌پاشا صالح و تاریخ حقوق ایران نوشته سیدحسن امین و تحول نظام قضایی ایران، تألیف محمد زرنگ، آثار ارزشمندی هستند که تاریخ حقوق و نیز تاریخ حقوق ایران را از آغاز تاکنون بازگفته‌اند، اما بسیاری از مطالب آنها مشترک و تکراری است و هر یک از این آثار به تحول نظام قضایی در دوره پهلوی اول و علی‌اکبر داور نیز پرداخته‌اند، ولی بیشتر جنبه عمومی، توصیفی و کلی‌گویی دارند.

کتاب داور و عدلیه، اثر باقر عاقلی که نیمی از آن به وزارت عدلیه داور و نیم دیگر آن به ایام وزارت مالیه و دارایی وی مربوط است، گزارشی است از زندگی و اقدامات داور و حجم زیادی از

آن به نطق بی‌کم‌وکاست نمایندگان پیرامون انحلال عدلیه و چگونگی اعطای اختیارات به داور، به منظور اصلاح عدلیه است و بخش قابل توجهی از کتاب نیز به نطق داور در جامعه ملل و جدال او با نمایندگان دولت انگلیس پیرامون قضیه نفت است. پایان‌نامه کارشناسی ارشدی هم که در دانشگاه تربیت مدرس درباره «داور» نوشته شده، همین وضعیت را دارد و صرفاً ۲۵ صفحه آن به اصلاحات قضایی داور اختصاص داده شده و بقیه آن درباره مسائل کلی دوره پهلوی و اقدامات داور در مسئولیت‌های اجرایی دیگر است. این پایان‌نامه از هیچ منبع لاتین استفاده نکرده و فقط چهار برگ سند را مورد مطالعه و ارجاع قرار داده است.

بنابراین، تحقیق مستقل، منسجم و جامعی که مبین تحول نظام قضایی عصر پهلوی اول باشد و به‌ویژه صرف نظر از توصیف تحولات انجام‌گرفته، ربط نظام قضایی و ساختار دولت مطلقه مدرن و ضرورت تحول نظام قضایی و بسترهای تکوین این تحولات را تبیین نماید، صورت نگرفته است.

پرسش اصلی کتاب حاضر این است که: ضرورت‌ها و الزامات دولت پهلوی اول (دوره وزارت علی‌اکبرخان داور) برای ایجاد تغییرات گسترده و بنیادی، در نظام قضایی چه بود؟ و این تغییر و تحول چه نسبتی با شکل‌گیری دولت مطلقه مدرن و برنامه کلی اصلاحات دولت و پروژه مدرنیزاسیون داشت؟ این پرسش بیانگر دو بُعد توصیفی و تحلیلی این کتاب است؛ یعنی از جهتی ناظر بر توصیف تحولات انجام‌یافته در حوزه نظام قضایی است و از سوی دیگر توجه به تحلیل نسبت بین تحول نظام قضایی با برنامه اصلاحات ساختار دولت در دوره پهلوی اول است. در واقع، همین وجه دوم است که بخش اساسی کتاب حاضر را تشکیل می‌دهد.

پرسش‌های فرعی را نیز می‌توان به شرح ذیل صورت‌بندی کرد:

۱. علل ناکارآمدی نظام قضایی متداول و سنتی مبتنی بر دوگانگی عرف و شرع چه بود که اصلاح آن به‌ویژه در آستانه نهضت مشروطیت ضرورت یافته بود؟
۲. نهضت مشروطیت، قانون اساسی، متمم آن و دستگاه عدلیه جدید چه میزان ضرورت‌های اصلاح در نظام قضایی را جامعه عمل پوشاندند؟
۳. چه موانعی بر سر راه استقرار نظام قضایی جدید قرار داشت؟
۴. نظام قضایی جدید چه کمکی به پیشبرد پروژه تجدد و تکوین دولت مطلقه مدرن پهلوی نمود؟
۵. آیا اصلاحات قضایی را می‌توان در راستای محو کانون‌های پراکنده قدرت، اعم از عرفی و شرعی و تجمیع آنان تحت سیطره دولت مطلقه، تبیین و توجیه کرد؟

۶. ابزارهای لازم برای تکوین نظام قضایی جدید کدام‌اند و چگونه در خدمت این دستگاه قرار گرفتند؟
 ۷. شاکله و چارچوب نظام قضایی جدید و گردش کار درون سازمانی آن بر کدام اسلوب و مبنایی استوار بود؟
 ۸. نقش تحول نظام قضایی در تلطیف فضای بین‌المللی بر ضد ایران و لغو حقوق کنسولی تا چه حد است؟
 ۹. آیا تحول نظام قضایی را می‌توان در قالب تحول فرهنگی و حرکت به سوی حاکمیت فرهنگ سکولار بر ساختار دولت مدرن و مطلقه پهلوی تفسیر کرد؟
 ۱۰. به رغم تحولاتی که طی این دوره در دستگاه قضایی صورت گرفت آیا قوه قضاییه از استقلال لازم که شرط اصلی تحقق یک نظام قضایی کارآمد است، برخوردار بود؟
- فرضیه اصلی این کتاب آن است که دولت پهلوی در راستای تشکیل و تکوین دولت مطلقه مدرن، نیازمند پیشبرد پروژه نوسازی و تجدد، تمرکز منابع قدرت سیاسی، اداری، دستگاه بورکراتیک، مکانیزم‌های قانونگذاری و حاکمیت نظام یکپارچه حقوقی بر سراسر کشور بود. از همین رو هماهنگ و همسو با کل برنامه اصلاحی دولت مطلقه، به تدوین و تبیین نوینی در نظام قضایی در سه بُعد ساختاری، مجموعه قوانین حقوقی و تربیت نیروی انسانی پرداخت تا ضمن تکمیل پروژه ساخت دولت مطلقه مدرن از آن به عنوان ابزاری برای تحقق و تکامل هرچه بهتر ساختار این دولت بهره‌مند شود.
- چنان که پیش‌تر خاطرنشان شد، تاکنون تحقیق جامعی پیرامون تحول نظام قضایی عصر پهلوی اول صورت نگرفته است و همین امر به‌خودی‌خود می‌تواند ضرورت انجام چنین تحقیقی را تبیین نماید.
- نظام قضایی، در هر دوره تاریخی، بخشی از نظام اجتماعی است، که در کنار دیگر دیوان‌هایی که در قالب نظام دیوانسالاری فعالیت می‌کرده‌اند، کارکرد خاصی داشته و همانند دیگر نهادهای مدنی و دستاوردهای تمدنی، قابل مطالعه و بررسی تاریخی است. به‌ویژه بعد از مشروطیت که قوه قضاییه هم‌پای قوه مجریه و مقننه جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده و همان‌گونه که بررسی عملکرد و سیر تحول قوای مجریه و مقننه، محور و مبنای مطالعات تاریخی است؛ قوه قضاییه و ابعاد مختلف آن، اعم از نیروی انسانی، ساختار تشکیلات و سازمانی، حقوقی و قانونی و کم و کیف آنها در هر دوره‌ای، می‌تواند از منظر تاریخی با رویکرد توصیفی تحلیلی بررسی شود.

ضمن اینکه نظام قضایی دوره پهلوی اول با همه دوره‌های تاریخ حقوق و نظام‌های قضایی ایران، به لحاظ مبنایی و ماهیتی تفاوت و تمایز قابل توجهی داشته است.

بررسی دقیق، منصفانه، بدون پیشداوری و خالی از هرگونه حب و بغض درباره زمین‌ها و بسترهای فکری، فرهنگی و سیاسی که عدلیه جدید بر روی آن شکل گرفت؛ چگونگی تشکیل و سیر تکوین نظام قضایی و مهم‌تر از همه کارنامه عملیاتی آن و تجزیه و تحلیل قوت‌ها و ضعف‌ها و بررسی علل و عوامل کارآمدی یا ناکارآمدی دستگاه قضایی در دوره یادشده، می‌تواند بسیار مفید و گره‌گشا باشد و متولیان امور قضایی را به کار آید؛ چرا که پس از گذشت سال‌ها از ایجاد عدلیه نوین، هنوز هم به نظر می‌رسد دستگاه قضایی ایران مبتلا به همان مشکلات و مسائلی است که عدلیه پس از مشروطه و تا حد کمتری عدلیه نوین داور، بدان دچار بود. اطلاع دادرسی، تراکم و حجم انبوه پرونده‌ها، انبوه مراجعان سرگردان و پراکندگی قوانین، تغییر پیاپی آنها و سرانجام عدم احقاق حق سریع، از جمله این موارد هستند.

از این رو، کتاب حاضر در راستای رسیدن به اهداف ذیل تدوین یافته است:

۱. تشریح زمینه‌های فکری، فرهنگی و بسترهای سیاسی اجتماعی تحول نظام قضایی؛
۲. تبیین رویکرد دولت مطلقه مدرن پهلوی به ساختارهای جدید قضایی؛
۳. توصیف تحلیلی چگونگی انحلال ساختارهای قدیمی عدلیه و جایگزینی تشکیلات نوین؛
۴. تشریح پیامدها و واکنش‌های ناشی از تشکیل نظام قضایی جدید؛
۵. توصیف تحولات انجام‌یافته برای تحقق و استقرار عدلیه جدید.

همچنین پژوهش کتاب با توجه به ماهیت رشته تاریخ، از نوع «پژوهش توصیفی و تحلیلی» است که با مراجعه، مطالعه و بررسی منابع و پژوهش‌های تاریخی، اسناد و مدارک آرشیوی، نشریات اعم از روزنامه‌ها و مجلات، خاطرات و مجموعه قوانین و مذاکرات مجلس شورای ملی، مطالب مورد نیاز گردآوری، سپس تدوین و تجزیه و تحلیل گردیده است.

تحقیق پیرامون «تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول» موانع و مشکلات متعددی به همراه دارد. بخشی از این مشکلات، عمومی و مربوط به کلیت تاریخ معاصر ایران و ناشی از رویکردهای سلسله‌زدایی و سلسله‌زدگی و حب و بغض‌هایی است که می‌تواند چهره یک تحقیق علمی را مخدوش سازد. موضوع دسترسی به اسناد و مدارک تاریخی مورد نیاز پژوهش‌های تاریخ معاصر نیز داستان غم‌انگیز مشهوری که همه اصحاب تاریخ معاصر کمابیش با آن آشنايند. فقدان طبقه‌بندی اصولی آرشیوها در ایران که منجر به طبقه‌بندی اصولی و ثبت و

ضبط مدارک تاریخی نگردیده، به علاوه قوانین و مقررات دست و پاگیر اداری و گاه کم‌کاری و تنگ‌نظری برخی کارشناسان و متولیان ارائه خدمات اسنادی، از جمله مواردی هستند که محقق تاریخی را با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌سازند که نتیجه آن چیزی جز کاهش قدرت مانور محقق و دست نیافتن و اشراف نداشتن به اسناد و مدارک نیست که در نهایت نتیجه‌گیری و قضاوت صحیح و سریع او را دستخوش نوسان می‌سازد.

در مورد این رساله نیز فقدان یک الگوی تحقیق همانند آنچه که در حوزه‌های تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران موجود است و نیز پراکندگی مجموعه‌های حقوقی، قانونی و آیین‌نامه‌ها و مقررات راجع به عدلیه که محقق ناگزیر از مراجعه به آن است، مزید بر علت می‌شود و روند تحقیق را با کندی مواجه می‌سازد.

ورود به عرصه مطالعه نظام‌های حقوقی و قضایی خواه‌ناخواه محقق را با اصطلاحات، عبارات و مجموعه‌های حقوقی و قانونی مواجه می‌سازد که فهم آنها مستلزم یک سلسله اطلاعات مقدماتی و کلی حقوقی و بهره‌گیری از مشاوران حقوقی است و این هم مستلزم صرف وقت و انرژی بیشتری نسبت به دیگر حوزه‌های متعارف پژوهش‌های تاریخی است.

این پژوهش در قالب هشت فصل تهیه و تنظیم گردیده است:

فصل اول، مقدمات و کلیاتی است که برای ورود به بحث اصلی و فهم هرچه بهتر ضرورت اصلاح نظام قضایی در آستانه انقلاب مشروطه و دوران پهلوی اول، تنظیم گردیده است. این فصل با نام «نخستین چالش‌های نظام کهن قضایی»، ویژگی‌های اساسی نظام کهن قضایی عصر قاجار، دوگانگی نظام قضایی مبتنی بر عرف و شرع و کم‌وکاستی‌های این نظام را تبیین نموده و ناکارآمدی آن را به‌ویژه در پرتو انتقال تجربه‌های مدرن اندیشه‌گران ایرانی که در مواجهه با امواج جوامع مدرن قرار داشتند، آشکار می‌سازد. سپس به اقدامات اصلاح‌گرانی می‌پردازد که هرچند برای ایجاد اصلاحات بنیادی در نظام قضایی گام‌های مهمی برداشتند، ولی به لحاظ اینکه این اصلاحات در تضاد با ماهیت نظام استبدادی حاکم بر جامعه ایران بود، ثمری نبخشید.

انقلاب مشروطه، دوره گذار از ساختارهای استبدادی به ساختارهای دموکراتیک بود که با تکیه بر آمال قانون‌خواهی و تشکیل عدالتخانه پدید آمد. متمم قانون اساسی، بر تشکیلات نوین قضایی توجه کرد و قوانین شکلی متعددی برای قاعده‌مندی عدلیه تهیه و تنظیم گردید، ولی بحران‌های متعدد اجتماعی پس از مشروطه و ناتوانی‌ها و بی‌ثباتی دولت‌ها، مانع از تشکیل عدلیه‌ای بود که مردم آن را به عنوان مطالبه ملی مطرح کرده بودند و متمم قانون اساسی آن را وعده داده بود.

فصل دوم، با نام «رویکردهای نظری نسبت به دولت مطلقه مدرن پهلوی»، روند شکل‌گیری دولت اقتدارگرایی متمرکز را شرح می‌دهد. در این فصل کمّ و کیف بحران‌های اجتماعی که بستر تکوین دولت اقتدارگرایی پهلوی را فراهم آورد و رویکرد اندیشه‌گران، مبنی بر لزوم تشکیل دولت مقتدر متمرکزی که بتواند بر بحران‌های اجتماعی فائق آمده و اهداف و آرمان‌های مشروطه‌خواهان از جمله اصلاح نظام قضایی را تحقق بخشد، مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین این فصل چگونگی تشکیل دولت مطلقه مدرن پهلوی را تبیین نموده و به شاخصه‌های این دولت که حاکمیت نظام واحدی از قوانین و مقررات و ایجاد تمرکز در مکانیزم‌های قانونگذاری و اجرا و سرکوب نهادهای قدیمی بود، اشاره می‌کند.

فصل سوم، با نام «علی‌اکبرخان داور معمار اصلاحات قضایی» از تحصیلات و کسب نخستین تجربه‌های اداری و قضایی داور بحث می‌کند و تلاش‌ها و تکاپوهای سیاسی او را برای تشکیل و تکوین قدرت مطلقه پهلوی، تشریح می‌نماید. از جمله، به نقش داور و تخصص حقوقی او برای پیدا کردن راهکارهای قانونی جهت انتقال قدرت از قاجار به پهلوی اشاره می‌کند و بالأخره، مراحل نمایندگی مجلس تا رسیدن به وزارت فواید عامه، عدلیه و دارایی و علل خودکشی داور را بیان می‌کند.

فصل چهارم، با نام «رهیافت اساسی دولت به نوسازی نظام قضایی» که یک فصل اساسی این کتاب است به کاپیتولاسیون و حاکمیت آن بر نظام قضایی و زمینه‌های تاریخی الغای آن اشاره می‌کند و چگونگی الغای آن از سوی رضاشاه را تشریح کرده و علت اصلی تحول نظام قضایی را ناشی از حاکمیت کاپیتولاسیون و تلاش برای الغای آن می‌داند و در پایان فصل، بازتاب‌ها و پیامدهای داخلی و خارجی الغای کاپیتولاسیون را ارائه می‌دهد.

فصل پنجم، با نام «نخستین تکاپوها در تکوین نظام قضایی جدید» به ایده انقلاب اداری داور و چگونگی انحلال و افتتاح عدلیه و سیر اعطای اختیارات از سوی مجلس به داور - وزیر عدلیه - اشاره می‌کند؛ آنگاه به بررسی و جاهت قانونی اقدام داور مبنی بر انحلال عدلیه می‌پردازد و موضع نمایندگان مجلس اعم از موافقان و مخالفان و نیز بازتاب انحلال عدلیه در محافل مطبوعاتی را تشریح می‌کند.

فصل ششم، با نام «تحول در نیروی انسانی»، به اقدامات اصلاحی داور پس از انحلال و تشکیل عدلیه نوین در حوزه تأمین نیروی انسانی و پرورش آن می‌پردازد و قانون استخدام قضات، متمم آن و کمّ و کیف ترکیب نیروی انسانی جدید و نحوه نظارت و ارزیابی و تأمین استقلال قضات را بررسی می‌کند.

فصل هفتم با نام «صورت‌بندی حقوقی امور قضایی و دستگاه عدلیه»، به نهضت قانونمندی‌سازی عدلیه و چگونگی تهیه و تدوین قوانین و کم و کیف آنها اشاره می‌کند و اهم قوانین مصوبه این دوره، اعم از شکلی و ماهوی را بررسی کرده و حتی مختصراً به محتوای مهم‌ترین قوانین این دوره اشاره می‌کند.

فصل هشتم با نام «تحول اداری و سازمانی»، نخست تشکیلات اداری و قضایی عدلیه نوین و نیز ادارات مرتبط با عدلیه، مانند هیئت تفتیشیه مملکتی و کانون وکلا را بررسی می‌کند، سپس تشکیلات قضایی اعم از محاکم عمومی و اختصاصی و شرح وظایف هر یک را مشخص می‌نماید. در پایان نیز فهرست منابع و مآخذ و نمونه‌هایی از اسناد و مدارک این دوره که از آنها استفاده شده، ارائه می‌شوند.

گفتنی است برای انجام این پژوهش به منابع بسیاری مراجعه شده است و شاید بتوان باجرات ادعا کرد که قریب به اتفاق کتاب‌هایی که درباره سلسله پهلوی به فارسی و لاتین نوشته شده‌اند، بررسی و مطالعه شده و احیاناً اگر در این پژوهش ذکری از بعضی کتاب‌های مربوط به این دوره به میان نیامده، به آن دلیل است که حاوی مطلب جدید و مهمی فراخور حال این اثر، نبوده‌اند. مراجع و مصادر استفاده شده کتاب پیش رو را در یک دسته‌بندی کلی می‌توان به شکل ذیل ارائه کرد:

۱. منابع و مآخذ، اعم از مجموعه کتاب‌هایی که در این کتاب مورد استفاده قرار گرفته، خواه اینکه مربوط به دوره قاجار، ابتدای روی کار آمدن دولت پهلوی و متعلق به دوره پهلوی بوده، یا در ایام بعد از روزگاران پهلوی به نگارش درآمده باشند.
۲. اسناد و مدارک آرشیوی که در مراکز مختلفی مانند سازمان اسناد ملی، کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای اسلامی، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، آرشیو نخست‌وزیری، مرکز اسناد ریاست جمهوری و مرکز اسناد وزارت امور خارجه موجودند.
۳. روزنامه‌ها و نشریات، در این دوره نشریات متعددی به چاپ می‌رسیدند که از هر یک به نحوی استفاده شده است.
۴. مجلات، که بیشتر منظور مجلاتی هستند که در سال‌های بعد از دوره پهلوی اول منتشر شده‌اند، ولی حاوی مطالبی راجع به آن دوره هستند.
۵. مذاکرات مجلس شورای ملی که دربرگیرنده نطق و شور و تصمیم‌گیری‌های نمایندگان درباره مسائل مختلف این دوره است.

۶. مجموعه قوانین که مشتمل بر مصوبات مجلس، مقررات، نظام‌نامه و متحدالامال‌های وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت عدلیه است.

۷. منابع لاتین نیز شامل پژوهش‌هایی می‌شوند که از سوی محققان داخلی و خارجی دربارهٔ عصر پهلوی اول به نگارش تحریر درآمده‌اند.

پس از این تقسیم‌بندی، می‌توان کم و کیف هر بخش از منابع و فایده‌ای را که از آنها برای این پژوهش حاصل شده است، بررسی کرد.

چنان که پیش‌تر خاطرنشان شد تحقیق مستقلی دربارهٔ تحول نظام قضایی ایران صورت نگرفته است و آثاری مانند تاریخ حقوق ایران، اثر سیدحسین امین، مباحثی از تاریخ حقوق، نوشته علی‌پاشا صالح، تحول نظام قضایی ایران، تألیف محمد زرنگ و سیر قانون و دادگستری در ایران، نوشته مرتضی راوندی این موضوع را در کلیت تاریخ ایران بررسی قرار کرده‌اند، ولی مراجعه به این کتاب‌ها می‌تواند در جهت‌یابی پژوهش‌هایی از این دست، مؤثر و مفید باشد.

کتاب‌های یادشده به‌رغم ارزشمندی آنها، بیش از نیم‌نگاهی به این بخش عظیم از پیشینهٔ فرهنگ و تمدن ایران و تجربه چند هزارساله ایرانیان در زمینه حقوق به مفهوم عام آن، نیستند و تنها دورنمایی از نظام‌های حقوقی، مبانی و مبادی قانونگذاری، ریشه‌ها و سرشت قوانین، آیین‌ها و روش‌های دادرسی کیفری و مدنی، سازمان‌های قضایی و مراجع شرعی و عرفی و داوری و دادرسی در طول تاریخ شش هزارساله حوزه تمدنی ایران را در اختیار خوانندگان می‌گذارند.

بنابراین، نمی‌توان از این کتاب‌ها توقع داشت که دورهٔ وزارت علی‌اکبر داور و تحولات ناشی از اقدامات اصلاحی او را در عرصه نظام قضایی دقیق بررسی نموده باشند.

از این گذشته، در دیگر آثار مربوط به دوره پهلوی، عمدتاً جز یکی دو پاراگراف و نهایت یکی و دو صفحه مطلب دربارهٔ نظام قضایی وجود ندارد که البته آن هم تکراری و کلیشه‌ای است؛ مبنی بر توصیف اینکه کدام قانون در چه سالی تصویب شده است، بدون اشاره به کم و کیف، چرایی و چگونگی، محتوای و نتایج تصویب این قوانین.

یکی دو مورد کتاب دیگر هم به‌طور خاص به عدلیه و دادگستری دوره پهلوی پرداخته‌اند، مانند کتاب سیری در تحولات دادگستری طی پنجاه سال شاهنشاهی دودمان پهلوی که این‌گونه منابع نیز به لحاظ غلبهٔ بزرگ‌نمایی و استناد نکردن به مراجع و اسناد، نمی‌توانند چندان قابل اعتنا و توجه باشند.

در میان همین منابع، کتاب‌هایی هستند که به لحاظ اینکه نویسندگان آن از دست‌اندرکاران نظام قضایی بوده‌اند و اطلاعاتی که ارائه می‌کنند بر شواهد و تجربه کاری خود آنان مبتنی است، بسیار ارزشمندند؛ از جمله اینها می‌توان به خاطرات صدرالاشراف، گذشته‌ها و اندیشه‌های زندگی یا خاطرات من، اثر عباسقلی گلشائیان، ده سال در عدلیه، تألیف احمد کسروی، خاطرات یک نخست‌وزیر، اثر متین‌دفتری، چهل سال در صحنه قضایی، سیاسی، دیپلماسی ایران و جهان، نوشته جلال عبده و خاطرات و خطرات، نگاشته مهدی قلی هدایت اشاره کرد که تحولات عدلیه پس از مشروطه و دوران پهلوی اول و کم‌وکاستی‌های آن را تشریح کرده‌اند؛ به‌ویژه احمد کسروی که نویسنده نکته‌سنجی است و علاوه بر این، قانون دادگری را نیز در نقد اصول محاکمات حقوقی نوشته است.

همین منابع، به‌رغم اهمیتی که برای مطالعه نظام قضایی این دوره دارند، باید مطالب آنها را از منظر انتقادی نگریست؛ برای مثال، صدرالاشراف در آغاز در تشکیلات جدید داور از جایگاهی برخوردار نبود و همین امر می‌توانسته موجب کینه قاضی بلندپایه‌ای همچون صدر را که از گردونه خارج شده، برانگیزد و دیگر اینکه صدر، متین‌دفتری و گلشائیان بعدها به وزارت عدلیه رسیدند و ممکن است برای بزرگ جلوه دادن اقدامات خود، تحولات انجام‌گرفته در دوره وزارت داور را ناچیز جلوه داده باشند.

یک سلسله منابع دیگری وجود دارند که از سوی همکاران داور نوشته شده‌اند؛ این منابع نیز به علت اینکه نویسندگان خود از نزدیک دست‌اندرکار و شاهد امور بوده‌اند، می‌توانند ارزشمند باشند، مانند چهل گفتار و یادگار عمر، اثر عیسی صدیق، داور و شرکت مرکزی، تألیف علی وکیلی، خاطرات علی امینی و خاطرات فرخ.

همین‌گونه است سلسله مقالاتی که دیگر همکاران داور، مانند محمود جم، محمود بدر و صادق سجادی در سالنامه دنیا نوشته‌اند. این منابع نیز اطلاعات مفید و گاه بکر و بدیع، ارائه می‌کنند؛ اما از آنجا که همه از دوستان و برکشیدگان داور بوده‌اند، به‌ویژه پس از مرگ نابهنگام و غیرمنتظره داور، گاه به مرثیه‌سرایی پرداخته و کوشیده‌اند از منظر تأثر و تأسف ناشی از هجران و فراق داور، زندگینامه‌ای غم‌انگیز از زندگی و اقدامات او ارائه دهند.

دومین بخش از منابع این کتاب، اسناد و مدارک آرشیوی هستند. در آغاز کار تصور می‌شود که عصر پهلوی سرشار از اسناد و مدارک تایپ‌شده و منقحی است که هر پژوهشگر تاریخ

معاصر را کفایت می‌کند، اما برخلاف این انتظار موهوم، دست‌کم در نیمه اول دوره پهلوی، بسیاری از اسناد دست‌نوشته، درهم و برهم و آن‌هم پراکنده و آشفته است.

اسناد موجود در کتابخانه شماره ۲ مجلس شورای ملی (مجلس سنای سابق) عمدتاً عریضی هستند که به رئیس مجلس و کمیسیون عدلیه مجلس، یا نمایندگان و حتی وزیر عدلیه نوشته شده‌اند و بیشتر شکوائیه‌های شخصی و مسائل جزئی هستند که به‌ندرت می‌توانند برای مطالعه کلان نظام قضایی مفید باشند.

اسناد موجود در مرکز اسناد وزارت امور خارجه برای استفاده در خصوص موضوع کاپیتولاسیون، الغای آن، بازتاب آن در محافل سیاسی و مطبوعاتی خارج از کشور، دعاوی میان اتباع ایرانی با بیگانگان و بالعکس، معاهدات جدید پس از الغای کاپیتولاسیون میان ایران و دول متحابه و واکنش دول ذی‌نفع بعد از الغای حق قضاوت کنسولی و کارکرد محاکم کنسولی و کارگزاری‌ها، اطلاعات مفیدی ارائه می‌کنند، ولی راجع به تحولات داخلی عدلیه و تشکیلات قدیم و جدید آن حاوی مطلب مهمی نیستند.

اسناد سازمان اسناد ملی و آرشیو نخست‌وزیری که آن‌هم به سازمان اسناد ملی منتقل شده، پیرامون تحولات عدلیه، مجموعه قوانین، نظام‌نامه‌ها و متحدالامال‌های عدلیه، دارای اسناد متعدد و ارزشمندی هستند.

آرشیو اسناد مؤسسه مطالعه تاریخ معاصر در حوزه مباحث این رساله قوی و غنی نیست و متأسفانه مرکز اسناد قوه قضاییه و بایگانی راکد آن‌هم به‌رغم فراوانی اسناد و مدارک، از ارائه خدمات معذور و عملاً از حیث ارتفاع خارج‌اند.

با وجود این، حتی‌المقدور سعی شده در حد نیاز این اثر به اسناد و مدارک مراجعه شود، ولی نکته‌ای که باید به آن اشاره شود این است که بسیاری از اسناد و مدارک درباره عدلیه حاوی مطالبی هستند که در مجموعه قوانین سال ۱۳۰۷-۱۳۱۵ش، مندرج و منتشر شده‌اند و با عنایت به اینکه در چاپ و نشر و ویراستاری این مجموعه قوانین که جنبه کاربردی در سرتاسر مملکت داشته، دقت نظر خاصی صورت می‌گرفته که حذف و اضافه‌ای در آن صورت نگیرد تا اسباب گمراهی مجریان را فراهم نیاورد، از این‌رو، مراجعه به آنها تا حدی محقق را از رجوع به اسناد و مدارک صعب‌الوصول، بی‌نیاز می‌کند. بنابراین، اگر در این پژوهش بارها و بیشتر از اسناد، به مجموعه‌های قانونی ارجاع داده شده، به دلیل همین مسئله و مستند و متقن بودن این مجموعه‌هاست.

افزون بر مجموعه‌های قانونی و یادشده که حکم ستون فقرات این تحقیق را دارند، مجموعه ارزشمند و مستند دیگری که به کرات در این پژوهش از آن استفاده شده، مجموعه مذاکرات مجلس شورای ملی در دوره‌های مختلف قانونگذاری است که به تناسب و اقتضای کلام مورد بحث این نوشتار، از آن استفاده شده است.

بدون شک مذاکرات مجلس از مهم‌ترین و مستندترین منابع مطالعه تاریخ، علوم سیاسی، حقوق، اقتصاد و جامعه‌شناسی هستند؛ چرا که گفتگوها و تصمیم‌گیری‌های نمایندگان ملت در قبال امور مختلف مملکتی، بدون هیچ‌گونه کم‌وکاست در آن منتشر شده‌اند.

در میان مجلدات متعدد و کثیر مذاکرات مجلس شورای ملی، بیشتر از همه، از مذاکرات مجلس دوره ششم استفاده شده است؛ چرا که شروع تحول نظام قضایی، انحلال عدلیه، اعطای اختیارات به داور در خصوص بازسازی عدلیه و مذاکرات نمایندگان موافق و مخالف در همین دوره بوده است. به علاوه داور ۱۲۰ لایحه به مجلس تقدیم داشته که بن‌مایه عدلیه را باید همین لوایح دانست و بررسی مذاکرات مجلس پیرامون این لوایح می‌تواند موضع مجلس را در قبال اصلاحات قضایی تبیین نماید.

مجموعه دیگر از منابع مورد استفاده روزنامه‌ها هستند؛ این دوره عصر وفور روزنامه‌هاست. روزنامه‌های متعددی از جمله اطلاعات، طوفان، شفق سرخ، وطن، اقدام، کوشش، ستاره، ستاره ایران، محشر و گلشن منتشر می‌شدند. از همه این روزنامه‌ها و غیر از آنها، در این پژوهش به مقتضای کلام استفاده شده است، اما روزنامه اطلاعات در میان این روزنامه‌ها پرتیراژترین و پرخواننده‌ترین بوده است و تمام مسائل عدلیه، اعم از لوایح قانونی، اخبار کمیسیون عدلیه، اعلامیه‌ها، آگهی استخدام، آگهی‌های ثبت اسناد و املاک، مجموعه‌های مصوب قانونی و همه و همه در این روزنامه منتشر می‌شدند به حدی که شاید بتوان ادعا کرد که مراجعه به روزنامه اطلاعات تا حد زیادی محقق را از مراجعه به مجموعه قوانین ۱۳۰۷-۱۳۱۵ش، بی‌نیاز می‌کند. بنابراین، می‌توان مراجعه پرتکرار این کتاب به روزنامه اطلاعات را از این منظر قابل توجیه دانست.

روزنامه مرد آزاد نیز که به مدیر مسئولی علی‌اکبر داور منتشر می‌شد و مبین افکار اصلاح‌طلبانه و ایده‌های انقلاب اداری او بود، مورد استفاده شایان قرار گرفته است.

نکته مهمی که پیرامون روزنامه‌های این دوره نباید از دید محقق دور بماند تأثیرپذیری کلی آنها از فضای سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه ایران بود. در واقع، روزنامه‌ها پس از به سلطنت رسیدن رضاخان زبان انتقادی خود را در نیام کشیده و سیاست همسویی با برنامه‌های کلی دولت را پیش گرفتند؛ از همین رو تقریباً قریب به اتفاق روزنامه‌ها، انحلال عدلیه را به‌خوبی پذیرا شده

و به تحسین و تمجید از آن پرداختند و همه آنها که به نوعی نماینده افکار عمومی هم بودند از اقدامات داور طرفداری کردند.

در میان مجلات هم که البته عمدتاً بعد از دوره پهلوی اول، یا به ندرت در همان دوره منتشر شده‌اند، آینده، سالنامه دنیا و سالنامه پارس، به لحاظ درج مطالب مستندی راجع به عدلیه یا خاطرات افرادی که معاصر این تحولات بوده‌اند از ارزش بسیاری برخوردار هستند. افزون بر اینها، از مجلات دیگری که امروزه هم منتشر می‌شوند و حاوی مطلبی راجع به عدلیه و داور هستند، استفاده شده است.

تحقیقات زیادی از سوی محققان داخلی و خارجی درباره دوره رضاشاه به زبان‌های لاتین (عمدتاً انگلیسی) صورت گرفته است، ولی آنها هم مثل منابع فارسی، بخشی را به اقدامات اصلاحی رضاشاه اختصاص داده و به عدلیه و تحولات نظام قضایی نیز اشاراتی کرده‌اند که عمدتاً تکراری و کلیشه‌ای هستند. در این میان کتاب نوسازی ایران، اثر امین بنانی هرچند قدیمی است، ولی فصل ویژه‌ای را به نوسازی نظام قضایی اختصاص داده است. کتاب دیگر مجموعه مقالاتی است که به همت استفانی کرونین با نام رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین، منتشر شده است و از جمله این مقالات یک مقاله به بررسی رابطه کاپیتولاسیون و تحول نظام قضایی پرداخته که به قلم مایکل زیرنیکسی تهیه شده است. از این مقاله و دیگر مقالات این مجموعه نیز استفاده شده است.

اینک که در سایه الطاف بیکران حضرت حق این اثر به زیور طبع آراسته می‌گردد بر خود فرض می‌دانم که از حسن التفات کلیه سرورانی که در انجام این پژوهش، نویسنده را مساعدت نمودند، قدردانی کنم.

بذر نخستین این پژوهش، حین تحصیل در مقطع دکترا، در گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی چهره بست. ضمن تقدیر از عنایات تمامی استادان فرهیخته آن گروه که در محضرشان تلمذ نموده و در رهین منتشان می‌باشم، از راهنمایی‌ها و مشاوره‌های ارزنده آقایان دکتر محمدعلی اکبری و دکتر علی بیگدلی سپاس ویژه دارم و یاد و خاطره زنده‌یاد آقای دکتر رضا نوربهاء استاد برجسته حقوق جزا را گرامی می‌دارم که همواره از مشاوره‌های علمی ایشان بهره‌مند بودم! (خدایش رحمت کند).

از اولیای محترم امور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه به‌ویژه همکاران گرامی گروه تاریخ صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم که همواره سیاه‌مشق‌های اینجانب را به دیده اغماض نگریسته و جهت طبع و نشر آن عنایت ویژه مبذول داشته‌اند. مدیران محترم سابق و لاحق آن گروه

حجت الاسلام والمسلمین آقای محمدرضا هدایت پناه، آقای دکتر منصور داداش نژاد و حجت الاسلام والمسلمین آقای رمضان محمدی هر یک در انتشار این اثر سهم بسزا داشته‌اند. بخش عمده این پژوهش با استفاده از منابع و مآخذ و اسناد و مدارک کتابخانه تخصصی تاریخ اسلام و ایران و نیز کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی انجام یافته است ضروری است از همه دوستان و همکاران آن دو مرکز علمی به ویژه آقای دکتر رسول جعفریان قدردانی نمایم. از مسئولین، کارشناسان و کتابداران محترم کتابخانه‌های دانشکده ادبیات و علوم انسانی و مرکزی دانشگاه شهید بهشتی، کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، حقوق و علوم سیاسی و مرکزی دانشگاه تهران، کتابخانه و مرکز اسناد سازمان اسناد ملی ایران، کتابخانه و مرکز اسناد تاریخ دیپلماسی وزارت امور خارجه به پاس ارائه خدمات علمی صمیمانه سپاسگزاری می‌کنم. دوستان فرهیخته دانشگاهی آقایان دکتر نورالدین نعمتی، دکتر نصرالله صالحی (همکاران رشته تاریخ) دکتر هادی رستمی، دکتر سماواتی پیروز و دکتر حسین صفایی (استادان رشته حقوق) هر یک به طریقی نویسنده را نواخته و با ارائه تذکرات ارزشمند خود به فرهیختگی این اثر مدد رسانیده‌اند از همه آنان سپاسگزارم.

حضرت حجت الاسلام والمسلمین محمدهادی یوسفی غروی و آقای دکتر عبدالرضا علیزاده زحمت ارزیابی این طرح پژوهشی را عهده‌دار بودند و نکات ارزشمندی را متذکر شدند دوست گرامی آقای مهدی معلمی با دقت ویژه‌ای ویراستاری اولیه این پژوهش را انجام دادند و دوست ارجمند دیگری، حجت الاسلام والمسلمین سعیدرضا علی‌عسکری زحمت ویراستاری نهایی را متقبل گشتند آقای اسماعیل یارمحمدی مسئولیت خوانش نهایی و استخراج اعلام را پذیرفتند و از آقایان جواد گائینی و سیدحسین مرتضوی افزون بر هماهنگی امور چاپ تهیه طرح جلد را نیز با دقت ویژه انجام دادند از همگان بی‌نهایت ممنونم.

مساعدت بی‌دریغ و تشویق‌های مداوم خانواده، مادر و مرحوم پدرم را ارج می‌گذارم و در نهایت از همسر عزیزم سرکار خانم فاطمه قنایی و نیز دختر دلبندم نیایش که تمام مشقات دوره تحصیلات تکمیلی و انجام این پژوهش را با بردباری تمام تحمل نموده و دم برنیاوردند تشکر می‌کنم. برای همه این عزیزانی که نامشان گذشت و کسانی دیگر که جهت رعایت ایجاز از ذکر نامشان خودداری شد آرزوی عمر با عزت و برای درگذشتگان از این جمع رحمت واسعه الهی مسئلت دارم.

و من الله التوفیق

حسن زندیه

۹۱/۱۲/۲۷

فصل اول

نخستین چالش‌های نظام کهن قضایی تجربه‌های عصر مدرن (عصر پیشامشروطگی)

بخش اول: ویژگی‌های اساسی نظام قضایی عصر قاجار (دوره پیشامشروطگی)

نظام قضایی ایران، دست‌کم از دوره صفوی تا پیروزی نهضت مشروطیت، از مبانی، ساختار و کارکرد تقریباً مشابهی برخوردار بوده است. این نظام، بر دوگانگی عرف^۱ و شرع و بر مبنای احکام و حدود فقه آل‌محمد (ص) یا مذهب جعفری استوار بود که در مدت دوپست سال عملکرد، از روی فتاوی‌های علما و فقهای شیعه،^۲ با رعایت اصل اجتهاد در استخراج و استنباط احکام، به مرحله کمال خود رسیده بود. این چارچوب و قالب سنتی متداول، همانند بسیاری از

۱. در تعریف می‌توان گفت: «قاعده‌ای است که به تدریج و خودبه‌خود میان همه مردم یا گروهی از آنان به عنوان قاعده‌ای الزام‌آور مرسوم شده است» عرف دو عنصر اساسی دارد که جمع آنها برای ایجاد قاعده حقوقی عرفی ضروری است:

الف) عنصر مادی: برای ایجاد عرف لازم است یک عادت به مدت طولانی میان عموم مرسوم شود و همه در برابر واقعه معین آن را به کار بندند. عنصر مادی عرف در صورتی کامل است که عمومی و پایدار باشد.

ب) عنصر ذهنی: عادت می‌تواند به عنوان عرف مورد استفاده قرار گیرد که به اعتقاد کسانی که آن را رعایت می‌کنند، الزام‌آور باشد، یعنی در زمره قواعد حقوقی به شمار رود. برای اطلاع بیشتر ر.ک: کاتوزیان، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، ص ۱۸۷-۲۰۰.

به سخن دیگر، عرف یعنی مجموع قواعد حقوقی که به صرف طبع در اثر حوایج اجتماعی مستقیماً از طرف مردم معمول می‌شوند، منبع اصلی حقوق بوده ولی در جوامع متمدن امروز قانون جای عرف و عادت را گرفته است (ر.ک: شایگان، حقوق مدنی ایران، ص ۵۲).

۲. برای اطلاع بیشتر در مورد فقها و مکاتب فقهی از دوره صفوی تا قاجار؛ ر.ک: امیدی‌فرد، آشنایی با فقه جواهری، ص ۱۷ و ۱۸؛ همچنین ر.ک: عظیمی، تاریخ فقه و فقها، ص ۴۰۲-۲۲۵ و وائل بن حلاق، تاریخ تئوری‌های حقوق اسلامی، ص ۳۱-۶۹.

ساختارهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و اجرایی و اداری جامعه و دولت ایران، تا زمان تشکیل انقلاب مشروطه و حتی پس از آن و تا زمان اصلاحات قضایی علی‌اکبر داور، دستخوش تغییر و تحول جدی نگشته بود و اگر به مقتضای ایام و وجود افراد کارداران و اصلاح طلب، اندکی دگرگونی در آن رخ نموده بود، به لحاظ اینکه آن تغییر و تحولات جدی و عمیق نبوده یا تداوم نیافته و نهادینه نگشته بود، نمی‌توان از آن به عنوان نظام قضایی یاد کرد.

در این بخش، هدف بررسی تفصیلی نظام قضایی سنتی ایران در عصر قاجار نیست، بلکه صرفاً ویژگی‌های اساسی نظام قضایی توضیح داده خواهد شد. هدف از این طرح عمومی نیز آشنایی مقدماتی با ساختار کلی وضعیت مستقر و با دوام حوزه قضایی در ایران پیشامشروطگی است.

الف) دوگانگی عرف و شرع

نظام قضایی عصر پیشامشروطگی قاجاریه، عموماً مبتنی بر دوگانگی عرف و شرع بود. این امر محصول شرایط تاریخی دوره قاجار، یا منحصر به این دوره نبود؛ بلکه ریشه در گستره تاریخ ایران دوره اسلامی و حتی ایران باستان داشت. از ابتدای تشکیل امپراتوری اسلامی، محکمه عرفی و شرعی^۱ توأمان وجود داشتند؛ یکی قانون مذهبی و عرفی را به کار می‌برد و دیگری صرفاً بر مبنای قانون شرع عمل می‌کرد. این شیوه تقسیم کار به احتمال فراوان، الگوبرداری از ساسانیان بود.^۲ ولی مرز تمیز میان دو نظام قضایی غالباً نامشخص بود؛ زیرا چنین تصور می‌شد که قانون اسلامی قانونی الهی است و در تمام موارد کاربرد دارد.^۳

این روند در طول تاریخ ایران دوره اسلامی همچنان تداوم یافت. در یک طرف خلفا، فقها، شیخ الاسلام‌ها و مجتهدان به قضاوت شرعی می‌پرداختند و در طرف دیگر شاه، حاکم، امیر، فرمانروا و دیگر نمایندگان قدرت سیاسی، به دیوان مظالم^۴ می‌نشستند و دعاوی عرفی را فیصله

۱. برای اطلاع بیشتر در مورد محکمه، کم و کیف و عملکرد آن در ادوار مختلف تاریخ ایران ر.ک:

Schacht, "MAHKAMA", *The Encyclopaedia of Islam*, vol. VI., pp. 11-25.

۲. برای اطلاع بیشتر از نظام قضایی عرفی و شرعی دوره ساسانی ر.ک: احمدی، قانون و دادگستری در شاهنشاهی ایران باستان، ص ۱۰۶-۱۱۴.

3. Floor, "Judicial System", *The Encyclopaedia Iranica*.

۴. برای اطلاع بیشتر در مورد دیوان مظالم و کارکرد آن ر.ک: مدرسی طباطبایی، «دیوان مظالم»، فرهنگ ایران زمین، ش ۲۷، ص ۹۸-۱۱۸؛ همچنین ر.ک:

Nielsen, "MAZALIM", *The Encyclopaedia of Islam*, vol. VI, pp. 933-934.

و ساکت، نهاد دادرسی در اسلام، ص ۲۵۷-۲۹۲.

می‌دادند. با تشکیل دولت صفوی و رسمیت یافتن مذهب تشیع، اوضاع نسبت به گذشته متفاوت شد؛ حضور چشمگیر علمای شیعی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی و مذهبی این دوره و تألیف، تدوین و گردآوری متون کلامی، حدیثی و فقهی موجب تحول در ماهیت و مبانی قضا و حاکمیت فقه شیعی بر قضای شرعی گردید و مناسبات و حوزه صلاحیت محاکم عرف و شرع بر چارچوبی استوار شد که تقریباً با همان اسلوب تا دوره قاجار، دست‌کم تا دهه اول عصر ناصری که وزارت عدلیه تشکیل گردید، تداوم یافت.^۱

در دوره قاجار، نظام قضایی به دو شاخه محاکم شرعی و محاکم عرفی تقسیم می‌شد. حوزه اقتدار، وظایف و صلاحیت‌های قضایی آنها به تبعیت از شرایط سیاسی، اجتماعی و مذهبی هر دوره‌ای اندکی متغیر بود. به هر حال، از منظر حقوقی، حوزه صلاحیت آنها را می‌توان بدین شرح تفکیک کرد: در محکمه شرعی که به آن «محضر» نیز اطلاق می‌شد، یکی از مجتهدان جامع‌الشرایط که علاوه بر تبحر در فروع فقهی و اشتها به عدالت، از مقبولیت عمومی نیز برخوردار بود، به دعاوی مدنی، یا دعاوی راجع به اصل ازدواج و طلاق و نسب و بعضی جرایم (امور جنحه و جزایی از قبیل ضرب و جرح) رسیدگی و فصل خصومت و احقاق حق می‌کرد و در مورد امور جزایی میزان و مقدار دیه و ارش را تعیین می‌نمود و نیز به موضوعاتی که اینک در محدوده قانون امور حسبی قرار دارند (از قبیل تعیین وارث منحصر متوفی و تحریر ترکه او و تنفیذ وصایا و نصب قیم بر محجوران و حکم موت فرضی غایب مفقودالاثار)، می‌پرداخت. گرچه این حاکم (قاضی) منصوب از طرف دولت نبود، ولی احکام صادر شده از سوی او را داروغگان دیوان‌بیگی و فراشان دولتی اجرا می‌کردند.^۲

دیگری محکمه عرفی بود که به آن «مجلس» یا «دیوان» نیز گفته می‌شد. تشکیل این محاکم عرفی و تعداد شعبه‌ها و یا مجالس آن، که به آن «دیوان‌خانه» و رئیس کل آن محاکم را به نام «صدر دیوان‌خانه» و رئیس هر شعبه یا مجلس را «صدر» می‌نامیدند، با دولت و حاکمان دولتی بود. این محاکم عرفی به دعاوی عمده کیفری و دعاوی مردم بر دولت و بر

۱. برای اطلاع بیشتر از نظام قضایی عصر صفوی ر.ک:

Floor, "Safavid Judicial System", *Studia Iranica*, Tome 29-30.

Floor, "The Sadr or Head of the Safavid Religious Administration, Judiciary and Endowments and other Members of the Religious Institution", (*ZDMG*) BAND 150.

۲. مهدوی دامغانی، «محاکم قضایی در زمان قاجاریه»، مجله کانون، ش ۵۴، ص ۸۸ و ۸۹؛ همچنین برای اطلاع بیشتر در این زمینه ر.ک: طیبی، نهاد دادرسی و نظام قضایی ایران، ص ۳۰۵-۳۰۷.

هر دعوای مدنی که طرفین دعوا به آن مراجعه می‌کردند، رسیدگی می‌کردند و حکم می‌دادند و چون دیوان بیگی‌ها و داروغه‌ها و فراشخانه را در اختیار داشت، احکام صادرشده به سرعت اجرا می‌شدند.^۱

محکمه عرف در عصر قاجار را دست کم تا اوایل عصر ناصری و تشکیل وزارت عدلیه به لحاظ کم و کیف، گردش کار، حوزه صلاحیت و مقامات آن می‌توان با عصر صفوی مقایسه کرد و فقدان اطلاعات این دوره را پوشش داد.

محکمه عرف در عصر صفوی صلاحیت داشت به تمام موارد جرم و جنایت رسیدگی کند؛ به ویژه احداث اربعه که چهار جرم عمده بود؛ یعنی قتل، ازاله بکارت، کور کردن چشم و شکستن دندان، که با مساعدت صدور عظام به آن می‌پرداخت.^۲ به علاوه، به تمام تخلفات از جمله اقدام علیه امنیت عمومی، مرافعات مالی و جرایم میهمانان خارجی رسیدگی می‌کرد و محاکم ایالتی را هم زیر نظر داشت.^۳

در یک توصیف عمومی، حیطه وظایف محکمه عرف در عصر قاجار را می‌توان چنین بیان کرد:

۱. دعوای ملکی (به اتفاق مقامات محاکم شرع)؛
۲. سرقت، راهزنی، شرارت، تجاوز و تعدی؛
۳. شرابخواری، بدمستی، قماربازی و نتیجتاً ایجاد ناامنی در مراکز عمومی؛
۴. اختلاس از اموال عمومی و بیت‌المال؛
۵. قیام، عصیان و نشر اکاذیب علیه حکومت، نهاد سلطنت، شاه و حکام؛
۶. آدم‌کشی و قتل؛
۷. ضرب و جرح؛
۸. تخلفات مربوط به خرید، فروش و معاملات.^۴

در این نظام قضایی کاستی‌های عمده‌ای نیز وجود داشت؛ برای مثال، حد فاصل شرعیات و عرفیات دقیقاً مشخص نبود و برخورد محضر شرع و دیوان‌خانه گریزناپذیر بود. در مجموع

۱. مهدوی دامغانی، همان، ص ۸۹؛ همچنین برای اطلاع بیشتر از حوزه صلاحیت و عملکرد قانون و محاکم عرف و شرع ر.ک: جعفری لنگرودی، تاریخ حقوق ایران، ص ۱۴۱.
 ۲. میرزا سمیع، تذکره الملوک، ص ۲؛ همچنین ر.ک: میرزا رفیعا، «دستور الملوک»، دفتر تاریخ، ج ۱، ص ۵۱۷ و ۵۱۸.
 ۳. برای اطلاع بیشتر در این مورد، ر.ک: فلور، نظام قضایی عصر صفوی، ص ۳۲-۴۱.
 ۴. طیبی، نهاد دادرسی و نظام قضایی ایران، ص ۲۷۲.